

تکیه بر ادبیات بومی

سیری در ادبیات کودکان زلاندنو

مارگارت ماهی
ترجمه و تلخیص: شقایق قندهاری



طرق داستان‌هایی که می‌خواندند، در ذهن خود تجسم می‌کردند در جای دیگری ساکن هستند و همین امر موجب شده تا چندی پیش، مردم میانسال یا کهنسال زلاندنو که بیشتر تعلقات بومی دارند فکر کنند که کشورشان هرگز از پشتیبانی کتاب‌ها و داستان‌ها برخوردار نبوده است. خوشبختانه، امروزه طرز فکر مردم عوض شده است. مردم با افتخار به کتاب‌هایی که بومی هستند به گونه چشمگیری در کتابفروشی‌های زلاندنو عرضه می‌شوند، می‌نگرند و بدانها افتخار می‌کنند. کتابداران کتابخانه‌ها هم ترجیح می‌دهند کتاب‌های محلی بخرند (به دلیل قیمت مناسب‌تر آنها در مقایسه با کتاب‌های وارداتی) و نیز چون در مجامع دانش‌آموزی، ادبیات زلاندنو جایگاه خاص خود را پیدا کرده و جامعه به ارزش آن پی برده است، هر ساله بر تعداد نویسندگان و تصویرگران کتاب افزوده می‌شود و این امر بر ادبیات این کشور تاثیر مثبتی گذاشته است.

اما به هر حال، باید در نظر داشت که زلاندنو، با جمعیتی در حدود سه و نیم میلیون نفر، کشور کوچکی محسوب می‌شود.

عملکرد آموزشی

زمانی که از کتاب‌های کودک و نوجوان صحبت می‌شود، اغلب گمان می‌رود همان کتاب‌هایی است که فقط در کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها پیدا می‌شوند. اما باید توجه داشت که در این کشور، همانند سایر کشورها، در صنعت چاپ کتاب کودک و نوجوان، در کنار کتاب‌های عمومی کتاب‌های آموزشی و آموزش زبان و دستور نیز چاپ می‌شود. برخی از این کتاب‌های آموزشی بسیار موفق عمل کرده‌اند و از شهرت بین‌المللی برخوردار هستند. علت این موفقیت، تاثیر مثبت آنها بر روند آموزش خواندن به کودکان است و خود داستان‌ها هم به خودی خود ارزشمند هستند.

در این کتاب‌های آموزش و الفبایی، نوعی ادبیات نهفته است؛ ادبیاتی که با کتاب‌های کتابفروشیها و کتابخانه‌ها متمایز است و هرگز در فهرست نامزدهای

در سال ۱۹۲۶ میلادی، سالی که من به دنیا آمدم، تنها هشت کتاب از هشت نویسنده و مؤلف اهل زلاندنو منتشر شد که از میان آنها پنج عنوان در زلاندنو و سه عنوان در انگلستان به چاپ رسید. در سال ۱۹۶۹، سالی که اولین کتاب من منتشر شد، در کتاب فروشی‌های محلی، فقط، بیست و یک عنوان کتاب از نویسندگان زلاندنو به چشم می‌خورد. این آمار و ارقام، تا چند سال پیش، در همین حد و حدود ادامه یافت، اما از جولای تا دسامبر سال ۱۹۹۸، در زلاندنو ۹۰۷ عنوان کتاب منتشر شد.

این تعداد، شامل کتاب‌های تصویری، داستان (برای سنین ۷-۱۵ سال)، کتاب‌هایی به هر دو زبان انگلیسی و مائوری (زبان بومی‌های زلاندنو) و تعدادی کتاب غیر داستانی است. در این آمار، کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران آموزشی که کتاب‌ها را مستقیماً به مدارس و یا کتابخانه‌ها می‌فروشد نیز لحاظ شده است.

تولید ۹۰۷ عنوان کتاب در طول شش ماه، در مقایسه با انگلستان که سالانه در حدود ۸۰۰۰-۷۰۰۰ عنوان کتاب جدید منتشر می‌کند، چندان در خور توجه نیست. با این حال، انتشار کتاب در زلاندنو در حال شکوفایی است و برخی از این کتاب‌ها، کتاب‌های ارزشمندی محسوب می‌شوند.

حمایت از آثار

ساکنان اولیه زلاندنو، ادبیات مخصوص کودک و نوجوان نداشتند و در حقیقت افسانه‌ها و حکایت‌هایی که بازگو می‌کردند، به کل جامعه تعلق داشت. و نه به طور خاص، بچه‌ها. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانانی که به نسل اروپایی‌ها تعلق داشتند، وارث کتاب‌هایی بودند که برای آنها نوشته شده بود، اما فضای داستان‌ها اغلب از کشورهای دیگر پایه‌ریزی شده و محل وقوع داستان‌ها و حوادث مناطقی دیگر بود.

بدین ترتیب، این بچه‌ها نیز با این تصور زندگی کردند که فرهنگ و تمدن حقیقی در جای دیگری از کره زمین وجود دارد. با این حساب، بچه‌های اروپایی و مائوری، از

کتابهای سال هم قرار نمی‌گیرد. با این حال، این کتابها بخشی از ادبیات کودک و نوجوان زلاندنو را تشکیل می‌دهد.

جوایز کتاب زلاندنو

جوایز موجب می‌شوند مردم با احترام خاصی به کتابهای برگزیده بنگرند. مهمترین جوایز جایزه کتابسال «پست» کتابهای کودک و نوجوان، جایزه کتاب کودک و ادبیات غیر داستانی برای نوآموزان و کودکان است.

هر ساله یک برنده خاص هم معرفی می‌شود که اغلب همان برنده جایزه کتابهای نوجوان است جایزه کتاب سال «پست» اغلب برای کتاب شهرت زیادی به ارمنان می‌آورد. پیش از اعلام جایزه، فهرست نامزدها اعلام می‌شود و اغلب آثار شخص برنده جایزه، در یکی دو محفل مورد بحث قرار می‌گیرد.

انجمن کتابخانه‌های زلاندنو، هر ساله، دو جایزه اهدا می‌کند؛ مدال «راسترگلن» و مدال «راسل کلارک» که این نامها به احترام نویسندگان پیشکسوت و تصویرگران هنرمندی که زمانی برای نشست دانش‌آموزی زلاندنو کار می‌کردند، انتخاب شده‌است. این جوایز، چندان مورد توجه نیستند و آینده آنها نامعلوم است.

منتشر شد و یکی از کتب مرجع در این بخش «اسطوره‌ها و افسانه‌های سرزمین مائوری» است که جایزه «استرگلن» را در سال ۱۹۴۶ به خود اختصاص داد. درون‌مایه و مضمون بیشتر کتابهای مائوری، از افسانه‌ها و اساطیر مائوری تشکیل شده است.

ابتدا اسطوره مائوری و شخصیت‌های آن توسط نویسندگان علاقه‌مند اروپایی نوشته و یا بازنویسی می‌شد، اما در بیست سال گذشته، مؤلفان و نویسندگان مائوری مدعی شده‌اند که نویسندگان اروپایی حق ندارند فرهنگ و تمدنی را که در اصل به آنها تعلق ندارد، غصب کنند و آن را در اختیار گیرند.

البته، به نظر من، تفکیک این آثار از آثار نویسندگان مائوری و داستان‌هایی یا این درون‌مایه کاردرستی نیست؛ چرا که این دو مجموعه به خوبی در کنار هم جا دارند. به هر حال، حضور این گروه (گروهی که در دوراص کودکی من چندان مورد توجه نبود) نیاز به بحث و بررسی جداگانه‌ای دارد. با وجود این، باید اشاره کنم که نویسندگان و تصویرگران مائوری، در زمینه کتاب کودک بسیار موفق عمل کرده‌اند.

ادبیات داستانی؛ عرصه بحث و مناظره

در چند قرن گذشته، ادبیات داستانی برای مخاطبان

پیشرفتی آرام و ممتد در حال حاضر، نویسندگان زلاندنو داستان‌های طنز، نمایشنامه‌های خانوادگی، کتاب‌های مصور کودک، ادبیات غیر داستانی و علمی، و... می‌نویسند که برخی به زبان مائوری نوشته می‌شود و اغلب هم توسط ناشران داخلی که به دنبال مخاطب بین‌المللی هستند، منتشر می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که بین کتابهای استرالیا و زلاندنو پیوندی نامشخص به چشم می‌خورد و البته مخاطبان در هر دو کشور، این ارتباطات ادبی را در ایالات متحده و یا انگلیس جست و جو می‌کنند و اغلب ناشران، این گروه نیز بیشتر در ایالات متحده به فعالیت می‌پردازند.

برای نویسندگانی که از راه این حرفه زندگی خود را می‌گذرانند، فروش بین‌المللی کتاب اهمیت حیاتی دارد. اما در حقیقت نوشتن داستان‌هایی که از نظر زبان و مکانی (فضای داستان) به جامعه کوچکی تعلق دارند خود به خود، شانس انتشار کتاب را در سطح وسیع و به خصوص در آن سوی مرزهای کشور کم می‌کند.

البته، باید توجه داشت که افزایش تعداد کتابهای منتشره محلی و بومی در کشور ما اهمیت زیادی دارد. چون در همان حال که داستان‌های زلاندنو با استقبال

ابتدا اسطوره‌های مائوری و شخصیت‌های آن توسط نویسندگان علاقه‌مند اروپایی نوشته و

یا بازنویسی می‌شد، اما در بیست سال گذشته، مؤلفان و نویسندگان مائوری،

مدعی شده‌اند که نویسندگان اروپایی حق ندارند فرهنگ و تمدنی را

که در اصل به آنها تعلق ندارد، غصب کنند و آن را در اختیار گیرند.



در این کتاب‌های آموزشی و الفبایی، نوعی ادبیات نهفته است

ادبیاتی که با کتاب‌های کتابفروشیها و کتابخانه‌ها متمایز است و

هرگز در فهرست نامزدهای کتابهای سال هم قرار نمی‌گیرد. با این حال، این کتابها

بخشی از ادبیات کودک و نوجوان زلاندنو را تشکیل می‌دهد.

کتاب‌های تصویری (کودکان)

در زلاندنو، تصویرسازی تاریخ‌مشخصی ندارد. سال‌های طولانی، در میان کتاب‌های مصور کودک هیچ‌گونه ارتباط، ساختار و سبک خاصی دیده نمی‌شد. در حقیقت، شاید بتوان گفت تا پیش از دهه ۱۹۷۰ در حرفه تصویرگری، شخص برجسته‌ای وجود نداشت و از دهه ۱۹۸۰ به بعد بود که گروهی تصویرگر متعهد پا به عرصه گذاشتند. این گروه شامل افرادی چون گاوین بیشوپ، دیوید آلیوت، کریس گاسکین و... است که امروزه هم چنان مشغول فعالیت هستند.

از میان کتاب‌های مصور کودک، آثار «لینلی راد» بیش از همه موفقیت کسب کرده‌اند شخصیت‌های خلق شده او را بچه‌ها به خوبی می‌شناسند و تصاویر آنها را می‌توان در محصولات فرهنگ مختلفی مثل پازل و... مشاهده کرد.

چاپ و نشر مائوری

خوشبختانه هم اینک، داستان‌هایی که موضوع و شخصیت‌هایش را خود مردم بومی مائوری تشکیل می‌دهند، چشمگیر است. از اواخر سال ۱۸۹۶ افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه بومی زلاندنو (مائوری)

روبه رو می‌شوند، توجه به کتاب‌های خوب انگلیسی و یا آمریکایی روبه کاهش است.

ناشران انگلیسی به مرور دریافته‌اند که دیگر نمی‌توانند هم چون سابق، به فروش کتاب‌های خود در زلاندنو و استرالیا متکی باشند؛ به این دلیل که بازار محلی تحت تسلط کتاب‌ها و محصولات بومی قرار دارد.

بچه‌هایی که هم اینک در زلاندنو زندگی می‌کنند، دیگر مثل دوره من، این احساس را ندارند که کشورشان جایی برای داستان‌های تخیلی، شعر و ماجرا ندارد. با این تفسیر و تحولات، ما حداقل توانسته‌ایم خود را بشناسیم و راه رسیدن به این شناخت را برای فرزندان خود هموار کنیم.

منبع: Bookbird-۱۹۹۹

توضیح: مارگارت ماهی، مؤلف بیش از صد عنوان کتاب است. وی شاعر، رمان‌نویس و مؤلف کتاب‌های کودک بسیاری است. اوتاکون جوایز «استرگلن»، «جایزه انجمن کتابخانه‌های زلاندنو» و... را به خود اختصاص داده‌است.